



اندیشه‌های تربیتی

# چشم‌انداز شکایت ایران از آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری

مقالات

شهریورماه ۱۳۹۷



الحمد لله

اندیشکده راهبردی تبیین



مجموعه گزارش راهبردی



چشم‌انداز شکایت ایران از آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری



وبگاه اندیشکده : [www.Tabyincenter.ir](http://www.Tabyincenter.ir)



نشانی : تهران، اقدسیه، خیابان شهید موحد دانش، خیابان نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۱۱



کد پستی : ۱۹۵۷۶۶۴۷۳۱



تلفن : ۲۶۱۵۳۳۲۹



نمبر : ۲۶۱۵۳۳۳۹



## فهرست

|    |  |
|----|--|
| ۶  | مقدمه  |
| ۶  | پیشینه ی دعاوی ایران و آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری |
| ۶  | ۱. تسخیر سفارت ایالات متحده                                |
| ۸  | ۲. سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران                     |
| ۹  | ۳. تجاوز به سکوهاى نفتی                                    |
| ۱۰ | خواسته‌ها و ادله ایران در دعاوی اخیر                       |
| ۱۲ | درخواست اقدامات تأمینی                                     |
| ۱۴ | ایرادات مقدماتی نسبت به صلاحیت دیوان                       |
| ۱۷ | سازوکار حل اختلاف در چارچوب توافق برجام                    |
| ۱۹ | جمع‌بندی   |
| ۲۱ | منابع و ارجاعات  |



## مقدمه

خروج آمریکا از توافق برجام و اعلام بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه طی بازه‌های زمانی ۹۰ و ۱۸۰ روزه، نقض برجام، قطعنامه‌ی شورای امنیت و اساسنامه‌ی سازمان ملل متحد است. گرچه برجام توافقی سیاسی بوده و سازوکارهای سیاسی را به‌عنوان روش حل و فصل اختلافات در نظر گرفته است، روز دوشنبه ۱۶ ژوئیه سال ۲۰۱۸، جمهوری اسلامی ایران شکایت خود را در قالب یک دادخواست ۱۹ صفحه‌ای از ایالات متحده به دلیل نقض معاهده‌ی دوستی، تجارت و حقوق کنسولی (موسوم به عهدنامه‌ی مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا) که در ۱۵ اوت ۱۹۵۵ (مصادف با ۲۳ مرداد ۱۳۳۴ شمسی) میان دو کشور منعقد شده است، به دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه داد. با توجه به اینکه این اولین تلاش حقوقی ایران جهت استیفای حقوق از دست‌رفته‌ی خود پس از خروج آمریکا از برجام است، بررسی احتمال موفقیت یا عدم موفقیت و چشم‌انداز آن، از اهمیت بالایی برخوردار است.

## پیشینه‌ی دعاوی ایران و آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری

ایران و ایالات متحده آمریکا تاکنون ۵ بار به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کرده‌اند که از این میان، ۳ مورد آن مختومه یا منجر به صدور رأی دیوان شده و ۲ مورد اخیر نیز شامل پرونده‌های در جریان است.

### ۱. تسخیر سفارت ایالات متحده

در نخستین مورد، ایالات متحده آمریکا در قضیه کارکنان سفارت این کشور در ایران در



تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ به دیوان مراجعه و خواستار محکومیت اقدام ایران در تسخیر سفارت شد. همچنین در همان روز، دادخواست دیگری مبنی بر درخواست صدور رأی اقدامات تأمینی بر اساس ماده ۴۱ اساسنامه و ماده ۷۳ آئین دادرسی دادگاه، تسلیم دیوان کرد. جمهوری اسلامی ایران در جریان رسیدگی دادگاه به قضیه حضور نیافت، اما موضع دولت به وسیله نامه‌ای که از سوی وزیر امور خارجه ی وقت خطاب به دادگاه ارسال شد، توضیح داده شد. پاسخ دیوان به درخواست صدور دستور موقت از سوی امریکا، مثبت بود. دیوان طی رأی تأمینی که در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۹ (فقط شانزده روز پس از تسلیم شکایت از سوی امریکا) صادر کرد، از ایران خواست که فوراً اعضای سفارت را آزاد سازد و ساختمان آن را به دولت حافظ منافع امریکا تسلیم کند. همچنین، طی این رأی از ایران خواسته شده بود که احترام به مقررات حاکم بر روابط دیپلماتیک و کنسولی را تضمین نماید و از ایران و امریکا خواسته شده بود که به اقدامی متوسل نشوند که اوضاع را وخیم‌تر سازد.

نکته قابل ذکر در این قضیه این است که عدم حضور ایران در دیوان احتمالاً ناشی از این تلقی بوده که مقام‌های ایرانی نتیجه‌ی دادرسی را از پیش معلوم می‌دانستند و معتقد بودند شرکت یا عدم شرکت در جریان دادرسی تأثیری در رأی دادگاه نخواهد داشت و در چنین شرایطی شرکت در دادگاه تنها موجب تقویت مشروعیت رسیدگی دادگاه خواهد شد؛ درحالی که با عدم شرکت می‌توان ادعا کرد که رسیدگی بدون حضور ایران و به‌طور یک‌جانبه صورت گرفته است! به همین دلیل آمریکایی‌ها از عدم حضور ایران در دادگاه نهایت استفاده را کردند و دامنه‌ی تحقیق را محدود و احتمال طرح دعوای متقابل از سوی ایران علیه امریکا را منتفی ساختند. درحالی که ایران با حضور خود در دیوان می‌توانست اولاً به استناد بند ۱ ماده ۴۱ کنوانسیون وین مبنی بر اینکه دیپلمات‌ها و اعضای سرکنسولگری‌های امریکا در ایران از وظایف خود عدول نموده و



برخلاف نص صریح ماده‌ی مذکور در امور داخلی ایران مداخله کرده‌اند، دفاعیه‌ای تهیه و تسلیم دادگاه نمایند و چنین اقدامی می‌توانست کار رسیدگی دادگاه را دشوارتر سازد و ادعاهای آمریکا را مورد سؤال قرار دهد و نتیجتاً دادگاه نمی‌توانست ظرف مدت شش ماه دو رأی در محکومیت ایران صادر نماید؛ ثانیاً ایران با حضور خود در دادگاه می‌توانست دعوی متقابلی علیه آمریکا تسلیم دیوان بین‌المللی دادگستری کند و طی آن از دادگاه بخواهد که آمریکا را به خاطر نقض اصول حقوق بین‌الملل محکوم نماید. فرصتی که به‌رحال از دست رفت.

## ۲. سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران

در تجربه دوم، این ایران بود که از ایالات متحده آمریکا به دلیل حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس ۶۵۵ دادخواستی را در قالب پژوهش خواهی، به دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه کرد. مطابق دلایل و ملاحظات آن مقطع زمانی، مسئولان جمهوری اسلامی ایران ترجیح دادند تا به‌جای توسل به اقدامات تلافی‌جویانه علیه آمریکا و تشدید رویارویی مستقیم خود با آنکه به‌طور قطع، در شرایط آن زمان، به مصلحت کشور و نظام نبود، به تقویت روحیه و وحدت ملی بپردازند و اقدام جنایت‌کارانه آمریکا را تنها از طریق مسالمت‌آمیز پیگیری کنند. در راستای این سیاست، مقامات جمهوری اسلامی ایران نخست، موضوع را در شورای امنیت سازمان ملل و سپس شورای اجرایی سازمان ای‌کائو و سپس، در دیوان دادگستری بین‌المللی مطرح کردند. با این حال، در آن مقطع زمانی، مقامات ایران به این نتیجه رسیدند که با توجه به نفوذ و قدرت ایالات متحده در بیشتر محافل سیاسی و قضایی بین‌المللی، امیدی به صدور رأی از جانب دیوان بین‌المللی دادگستری مبنی بر محکومیت آمریکا در قضیه ایرباس وجود ندارد. با توجه به این واقعیت بود که مذاکرات بین دو طرف برای حل و فصل اختلافات در خارج از دیوان آغاز و در نهایت، توافق شد تا ایالات متحده





در قبال استرداد دادخواست از سوی ایران، خسارات وارد شده به هواپیما و بازماندگان مسافران را بدون قبول مسئولیت پرداخت کند. در پی چنین توافقی بود که دیوان در ۲۲ ماه فوریه سال ۱۹۹۶، دستور داد دعوی ایرباس از فهرست دعاوی آن حذف شود.

### ۳. تجاوز به سکوهای نفتی

تجربه سوم مربوط به شکایت ایران از امریکا به دلیل حمله و تجاوز به سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس بود. متعاقب حمله امریکا در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به چهارسکوی نفتی رشادت، رسالت، سلمان و نصر، کشورمان در ۲ نوامبر ۱۹۹۲ علیه امریکا نزد دیوان دادخواستی ثبت کرد. ایران صلاحیت دیوان را به بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت مستند ساخت و مدعی نقض مفاد آن توسط امریکا شد. در قضیه سکوهای نفتی ایرادات صلاحیتی امریکا توسط دیوان مردود اعلام شد و در حکم نهایی، با ۱۴ رأی در مقابل ۱ رأی، دیوان دریافت که ادعای امریکا مبنی بر دفاع از منافع اساسی امنیتی خود را نمی‌توان موجه دانست و همچنین دعوی متقابل این کشور علیه ایران در خصوص جبران خسارت را مورد تأیید قرار نداد.

با تحلیل و بررسی میزان فعالیت ایران در دیپلماسی حقوقی برای استیفای حقوق خود در مقابل امریکا، با نگاهی به تجارب گذشته می‌توان به این نتیجه رسید که در مواردی که جمهوری اسلامی ایران صلاحیت اجباری دیوان را طی معاهدات چندجانبه و یا عهدنامه‌ها و قراردادهای دوجانبه پذیرفته باشد، در صورت طرح دعوی به استناد آن‌ها نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، عدم حضور جمهوری اسلامی ایران در دادگاه مانع از رسیدگی به قضیه نمی‌شود. در چنین صورتی، دادگاه به رسیدگی خود ادامه می‌دهد و رأی صادر می‌کند. تصریح بر این نکته ضروری است



که حضور در دادگاه الزاماً تغییر رأی آن از مثبت به منفی یا از منفی به مثبت را به دنبال نخواهد داشت، درحالی که با عدم حضور، دادگاه به ادعاهای دولت شاکی بدون چالش مهر تأیید می‌زند. به‌علاوه، امکان محکومیت آمریکا در نهادهای بین‌المللی حقوقی متصور است و مسبقاً به سابقه نیز بوده است. اینکه تا چه اندازه احکام دیوان، عملاً واجد ضمانت اجرای اساسی باشد، امری است که نمی‌توان تنها از رهگذر قدرت و نفوذ کشورهای نظیر آمریکا مورد ارزیابی قرارداد، بلکه عوامل متعددی از جمله تأثیر افکار عمومی و مشروعیت زدایی حقوقی از اعمال آن کشور، می‌تواند در محل خود، فشارهای قابل‌تأملی را به ایالات متحده آمریکا وارد سازد.

به همین دلیل است که در تجارب اخیر، از جمله طرح دعوی ایران علیه ایالات متحده آمریکا در خصوص مصادره اموال بانک مرکزی و نیز دعوی ایران علیه آمریکا به دلیل تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که این کشور علیه کشورمان روا داشته، حضور و نقش فعال‌تری از ایران را در محاکم حقوقی بین‌المللی شاهدیم.

## خواسته‌ها و ادله ایران در دعوی اخیر

متعاقب خروج آمریکا از توافق برجام و آغاز اقدامات یک‌جانبه این کشور برای اعمال دوباره تحریم‌ها، جمهوری اسلامی ایران شکایتی را علیه آمریکا در رابطه با نقض مفاد عهدنامه مودت، حقوق کنسولی میان دو کشور و روابط اقتصادی که در ۱۵ اوت سال ۱۹۵۵ میان دو طرف امضاء و در ۱۶ ژوئن ۱۹۵۷ وارد فاز اجرایی شد، در دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رسانده است. شکایت ایران مشخصاً به دلیل اعمال مجدد همه‌جانبه تحریم‌های آمریکا و نیز اقدامات محدودکننده که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم شرکت‌ها یا افراد ایرانی (اشخاص حقیقی و حقوقی)



را هدف قرار می‌دهد و پیش‌تر با امضای توافق هسته‌ای تعلیق شده بود، صورت پذیرفته است.

ایران در دادخواست خود، مجموعاً از دیوان بین‌المللی دادگستری خواسته است:

• آمریکا به وسیله تحریم‌هایی که شرح آن‌ها در دادخواست آمده است، با هدف قرار دادن شرکت‌ها و اتباع ایرانی، به تعهدات خود در قبال ایران در چارچوب عهدنامه ۱۹۵۵ عمل نکرده است.

• آمریکا باید بدون تأخیر و به وسیله ابزاری که خود انتخاب می‌کند به تحریم‌هایی که از ۸ می تحمیل شده است، پایان دهد.

• آمریکا باید فوراً به تهدیدات خود مبنی بر اعمال تحریم‌های جدید که شرح آن‌ها در دادخواست آمده است پایان دهد.

• آمریکا باید اطمینان دهد که هیچ‌گونه اقدامی برای دور زدن تصمیم دیوان در این پرونده انجام نخواهد داد و برای عدم تکرار نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵ تضمین دهد.

• آمریکا باید به دلیل نقض تعهدات حقوق بین‌المللی خود در قبال ایران، اقدام به جبران کامل خسارت کند و مبلغ خسارت توسط دادگاه تعیین خواهد شد. ایران نیز برای خودارزیابی خسارات وارده از سوی آمریکا در قبال نقض تعهدات و ارائه آن به دیوان در زمان مناسب را محفوظ می‌دارد.



## درخواست اقدامات تأمینی

از آنجا که عملاً روند تصمیم‌گیری و به نتیجه رسیدن دعاوی در دیوان می‌تواند زمان بر و طولانی باشد و این در حالی است که مرحله‌ی دوم تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده در ماه‌های آتی و ظرف ۱۸۰ روز پس از ۸ می اجرایی خواهد شد، لذا ایران با شرح اوضاع و احوال پرونده در بندهای ۳۲ تا ۴۲ دادخواست خود؛ در همان روز طرح دعوی، با ارجاع به مقررات منشور ملل متحد در ماده ۴۱ و مواد ۷۳ تا ۷۵ آیین دادرسی دیوان مصوب ۱۴ آوریل ۱۹۷۸، از دادگاه درخواست صدور قرار اقدامات تأمینی برای صدور دستور توقف اِعمال و اجرای تحریم‌ها تا زمان صدور حکم نهایی دیوان کرده است. تقاضای اتخاذ تدابیر موقت ماهیتی فوری دارد؛ به همین دلیل هم مطابق استدلال ایران در بند ۲۳ درخواست خود و بر اساس رویه قضایی دیوان، چنین درخواستی مبتنی بر وجود یک خطر واقعی و قریب‌الوقوع است که پیش از آنکه دیوان تصمیم نهایی خود را اعلام کند، آسیبی جبران‌ناپذیر به کشور وارد خواهد ساخت. مطابق مقررات دیوان چنین تدابیری بر کلیه موارد اولویت دارد و دادگاه در اولین فرصت حتی اگر در زمان وصول چنین درخواستی دایر نباشد، به آن خواهد پرداخت. اقدامات احتیاطی که ایران در دادخواست خود مطرح کرده، عبارت است از:

- آمریکا باید فوراً و به هر وسیله‌ای که در اختیار دارد، اجرای مجموعه تحریم‌های اعمال‌شده از ۸ می به این سو را متوقف و از اعمال تحریم‌های جدید خودداری کند.
- آمریکا باید بلافاصله مجوز اجرای کامل معاملاتی را که پیش از این نهایی شده‌اند، بدهد؛ به‌ویژه توافقاتی که در موضوع فروش یا اجازه هواپیماهای مسافربری، خرید قطعات یدکی و دیگر تجهیزات هواپیما نهایی شده‌اند.



• آمریکا باید ظرف سه ماه درباره ی روش‌هایی که برای اجرایی کردن درخواست‌های مزبور در پیش گرفته است، به دیوان گزارش دهد.

• آمریکا باید به اتباع و شرکت‌های ایرانی، آمریکایی و دیگر کشورها این اطمینان را بدهد که از حکم دیوان تبعیت خواهد کرد و از هرگونه اظهارنظر و اقدامی که مانع از آن شود تا اتباع آمریکایی یا اتباع دیگر کشورها به همکاری‌های اقتصادی با ایران، ایرانیان و شرکت‌های ایرانی بپردازند، خودداری کند.

• آمریکا باید از اقدامات دیگری که ممکن است ناقض حقوق مندرج در پیمان ۱۹۵۵ میلادی برای ایران، ایرانیان و شرکت‌های ایرانی شود و نیز ناقض تصمیمی شود که در دیوان در قبال این پرونده می‌گیرد، خودداری کند.

متعاقباً رییس دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۵ جولای سال جاری، با توجه به اهمیت و فوریت امر و با استفاده از اختیارات خود در ماده ۷۴ (۴) قواعد دیوان بین‌المللی دادگستری، طی نامه‌ای رسمی خطاب به وزیر خارجه امریکا، به دولت امریکا هشدار داد از هرگونه اقدام جدید در این زمینه اجتناب کند و توجه دولت آمریکا را به این ضرورت جلب می‌کند که باید در زمینه مورد دعوا (بازگشت تحریم‌ها) طوری عمل نماید که آرای آتی دیوان که بعد از جلسه ۲۷ اوت صادر خواهد کرد، بلااثر نشود. این دستور می‌تواند به نوعی ناظر بر توقف هرگونه اقدام متصرفانه در پرونده‌های مالی مربوط به ایران باشد.



## ایرادات مقدماتی نسبت به صلاحیت دیوان

دیوان بین‌المللی دادگستری پیش از هر چیز باید صلاحیت خود را برای ورود به رسیدگی قضایی و حل و فصل اختلاف، احراز نماید. اگرچه باید دید استناد ایران به عهدنامه مودت به عنوان مبنای صلاحیتی دیوان، از سوی آمریکا مورد اعتراض قرار خواهد گرفت یا خیر؟ پیش‌بینی می‌شود ایالات متحده آمریکا در بدو امر متوسل به ایراد مقدماتی شود تا دیوان را از ورود به مرحله ماهوی دادرسی و نهایتاً صدور حکم باز دارد. از میان دعوی ترافیعی که تاکنون در دیوان مطرح شده، دو سوم از آن‌ها مشمول ایرادات مقدماتی کشورها شده و از آن میان حدود یک سوم یا نزدیک به ۴۰ درصد نتوانسته‌اند از این مانع عبور کنند. بنابراین باید دید در قضیه اخیر چه رخدادی پیش خواهد آمد اما از آنجا که هدف سیاسی دولت آمریکا تحت فشار قرار دادن دولت ایران در ابعاد مختلف، به‌خصوص بعد اقتصادی است، به نظر می‌رسد یکی از تکنیک‌های انتخابی آمریکایی‌ها، ورود پرونده به پیچ و خم ایرادات مقدماتی یا اصطلاحاً طرح دعوی طاری است.

پیشینه‌ی دعوی ایران و آمریکا نشان می‌دهد که استناد به عهدنامه مودت ۱۹۵۵ در دیوان بی‌سابقه نیست، از اتفاق برای نخستین بار این ایالات متحده آمریکا بود که پس از انقلاب اسلامی و بعد از تسخیر لانه جاسوسی در تهران، مستند به همین معاهده، به دیوان شکایت کرد. پس از آن در قضیه‌ی حمله آمریکا به سکوهای نفتی، ایران صلاحیت دیوان را مستند به همین قرارداد ساخت و متقابلاً آمریکا هم با استناد به مفاد همین توافق، مدعی مین‌گذاری آب‌های خلیج فارس توسط ایران شد. اگرچه آمریکا در لایحه ایرادات مقدماتی خود، برای جلوگیری از ورود دیوان به ماهیت دعوی، به شدت بر این امر پافشاری کرد که موضوع دعوی (حمله به سکوهای نفتی) ارتباطی با مفاد عهدنامه مودت ندارد، همچنین یکی دیگر از استدلال‌های آمریکا این بود که در جریان حملات مکرر ادعایی توسط ایران، مقامات ایرانی بارها موضوع را از طریق شکایت به



شورای امنیت پیگیری نموده و چگونه است که اکنون مدعی نقض مفاد عهدنامه مودت و بروز «اختلاف حقوقی» شده است؟ به علاوه، آمریکا مدعی بود مشابه چنین قراردادی (عهدنامه مودت ۱۹۵۵) را با تعداد زیادی از دولت‌های وقت منعقد نموده است که اساساً توافقات مزبور ناظر بر حمایت از اتباع حقیقی یا حقوقی بوده است و ربطی به ارتباط فی مابین و به‌خصوص حملات نظامی ندارد؛ استدلالی که می‌تواند در دعوی جدید ایران علیه آمریکا به کار کشورمان بیاید؛ زیرا موضوع دعوی اخیر اتفاقاً نقض مواد عهدنامه مودت به وسیله اعمال تحریم‌هایی است که مستقیماً افراد حقوقی و حقیقی را نشانه رفته و تجارت و مراودات اقتصادی ایران را هدف قرار داده است.

ایران در دادخواست خود با استناد به بند ۲ از ماده ۱۱ عهدنامه مودت بیان می‌کند: در صورت اختلاف میان طرفین پیمان در موضوع تفسیر یا اجرای این پیمان دوستی، چنانچه مورد اختلاف از طریق روش‌های دیپلماتیک قابل حل و فصل نباشد، موضوع به دیوان دادگستری ارجاع داده خواهد شد. مگر اینکه طرفین روی استفاده از دیگر راه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف به توافق برسند.

در چنین شرایطی رئیس‌جمهور آمریکا با توجه به اوضاع نا به سامان و بی‌ثبات اقتصاد ایران و افزایش اعتراضات مردمی، برای دیدار، مذاکره و توافق با ایران در «هرجایی» و «هرزمانی» اعلام آمادگی کرده است. اما آیا ایران همزمان با طرح دعوا علیه آمریکا، تن به مذاکره با این کشور می‌دهد؟ مارک دبوویتز مدیر اجرایی اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در حساب توئیتری خود اعلام کرده است که ایران قطعاً پای میز مذاکره با آمریکا خواهد نشست. از طرف دیگر اظهار نظر مقامات کشورمان حاکی از عدم مذاکره با دولت عهدشکن آمریکا و رئیس‌جمهوری چون دونالد ترامپ است. از سطور فوق می‌توان نتیجه گرفت در صورتی که دیوان به هر نحو تشخیص دهد که اختلاف موجود از طریق مذاکره یا به روش‌های دیپلماتیک قابل حل و فصل



است، ممکن است استدلال و استناد ایران به بند ۲ ماده ۱۱ عهدنامه مودت را نپذیرد، از همین رو بهتر است ایران راهکاری میانه را برگزیند که نه مستلزم مذاکره مستقیم با ایالات متحده امریکا باشد و نه مستلزم طرد و نفی هرگونه مذاکره برای رسیدن به راه حل اختلاف پیش آمده؛ چرا که نفی و نهدی مذاکره و حل دیپلماتیک اختلاف مزبور، ممکن است به این معنا تعبیر شود که ایران تمایلی به حل اختلاف خود در چارچوب‌های سیاسی موجود ندارد.

نکته ی قابل تأمل این است که با توجه به پیش‌بینی راه‌حل‌های دیپلماتیک در برجام و سازوکار مخصوصی که مربوط به حل و فصل اختلافات بین طرف‌هاست، احتمال می‌رود دولت آمریکا مستند به بند ۲ ماده ۱۱ عهدنامه مودت، متوسل به استدلال فوق شود و یکی از ایرادات صلاحیتی، استناد به همین سازوکار پیش‌بینی شده و طرح این استدلال باشد که ایالات متحده امریکا آماده حل و فصل اختلاف از طریق مذاکره و روش‌های دیپلماتیک بوده و هست اما این جمهوری اسلامی ایران است که بی‌توجه به راه‌حل مزبور، متوسل به شکایت حقوقی نزد دیوان شده است. لازم به یادآوری است در صورتی که کشورها امکان حل و فصل دعاوی خود از مجرای دیپلماتیک را داشته باشند (بر اساس بند ۲ ماده ۱۱ عهدنامه مودت) نمی‌توان دعوی را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داد. بنابراین لازم است ایران کلیه اقدامات مقتضی را برای آنکه در دیوان ثابت نماید حل و فصل دعاوی مذکور از طرق دیپلماتیک ممکن نبوده، انجام دهد و این امر مستلزم منتفی ندانستن مطلق مذاکره است، البته نه در چارچوب مذاکرات دوجانبه بلکه با حفظ استقلال و شأن ملی و در چارچوبی که بهانه‌های احتمالی دولت امریکا را خنثی سازد. از همین رو ضروری است تمامی مواضع و اظهارات یک‌جانبه مقامات رسمی آمریکایی و واکنش آن‌ها به درخواست‌های ایران رصد شود، زیرا یکی از منابعی که برای دولت‌ها ایجاد تعهد و اثر حقوقی می‌کند، همین اظهارات یک‌جانبه است.



شاید راه حل میانه، استفاده از سازوکار شبه حقوقی پیش‌بینی‌شده در برجام برای حل و فصل اختلافات طرفین بود که ایران می‌تواند با توسل به این ادعا که ایالات متحده امریکا رسماً و عملاً از این توافق خارج شده، استدلال کند که این طرف آمریکایی است که با خروج یکجانبه خود، راه حل دیپلماتیک و سازوکار موجود در برجام را برای حل اختلاف مردود دانسته است.

## سازوکار حل اختلاف در چارچوب توافق برجام

سازوکار حل اختلاف در توافق برجام در چهار سطح مختلف و بر اساس بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام صورت می‌پذیرد؛ به این نحو که اختلافات ناشی از اجرا یا تفسیر برجام، در مرحله اول در سطح کمیسیون مشترک، سپس در سطح وزرای خارجه، پس از آن در یک هیئت مشورتی متشکل از نمایندگان طرفین و نهادهای مستقل و در نهایت در سطح شورای امنیت ملل متحد مطرح خواهد شد. به نظر می‌رسد یکی از انگیزه‌های ایران برای عدم پیگیری نقض برجام در قالب سازوکار حل اختلاف موجود در آن توافق، این بوده است که در صورت مطرح شدن پرونده مزبور در سطح شورای امنیت، آنچه به رأی گذاشته خواهد شد «تداوم لغو تحریم‌ها» علیه ایران است. این بدان معنی است که در صورت عدم تصویب چنین قطعنامه‌ای در شورای امنیت یا وتوی آن توسط ایالات متحده امریکا یا متحدین آن نظیر انگلستان و فرانسه، تمامی تحریم‌های سابق شورای امنیت علیه ایران، باز خواهد گشت!

در وهله اول به نظر می‌رسد ختم مسئله به شورای امنیتی که در آن طرف‌های غربی توافق (برجام) از حق و تو برخوردار اند، نقص و نقطه ضعف برجام است؛ اما باید گفت ضمانت اجراهای حقوقی نیز، نظیر ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری، در صورت استنکاف دولت

آمریکا از احکام و آراء دیوان، دست آخر به همان شورای امنیت منتهی خواهد شد! بنابراین، برای الزام عملی و واقعی دولت آمریکا به تعهدات بین المللی خود تنها می توان علاوه بر ضمانت اجراهای حقوقی، به ضمانت اجراهای سیاسی و نیز فشار افکار عمومی رجوع کرد. چه بسا همین تحلیل باعث شد که توافق برجام، ماهیتی سیاسی داشته باشد تا اینکه خروجی آن سندی حقوقی در قالب معاهده ای بین المللی باشد. لذا گمان می رود ارزیابی دولت ایران این بوده است که در شرایط فعلی و با توجه به فقدان اراده سیاسی لازم در آمریکا برای حفظ برجام و تعلیق تحریم‌ها، عملاً توسل به سازوکارهای دیپلماتیک حل اختلافی که در برجام موجود است، ناکافی یا غیر مؤثر خواهد بود.

در یک ارزیابی کلی همچنان این سؤال مطرح است که اگر ایران قائل به تدابیر حقوقی و ضمانت‌آجراهایی در چارچوب دیوان بین‌المللی دادگستری است، چرا از ابتدا چنین روش حل اختلافی را به مذاکره نگذاشت و اگر مقصود حل و فصل سیاسی یا دیپلماتیک اختلافات و یا توسل به روش‌های شبه حقوقی پیش‌بینی‌شده در برجام بوده است، چرا ایران در وقت مناسب خود از سازوکار موجود استفاده نکرده است؟ چنانچه در مذاکرات انجام شده امکان توافقی حقوقی در قالب برجام وجود نداشته و یا اینکه مذاکره کنندگان از ابتدا هم خواستار توافقی با سر و شکل مشخص و شفاف حقوقی نبوده‌اند، در هر دو حالت باید پرسید که ابهام موجود در ماهیت حقوقی توافق برجام و سازوکارهای حل اختلاف موجود در آن، به نفع کشورمان در راستای تأمین منافع ملی ما بوده است یا خیر؟

## جمع بندی

به نظر می‌رسد ارزیابی مسئولان و کارشناسان حقوقی کشور در سند برجام این بوده است که در توافق بر سر سازوکارهای حل اختلاف، خود را محدود به مکانیسم‌های صرفاً سیاسی یا صرفاً حقوقی نکنند؛ زیرا هر کدام از روش‌های مذکور مزایا و البته محدودیت‌های خود را دارد. به همین دلیل اکنون که راه حل سیاسی برای وادار ساختن آمریکا برای لغو تحریم‌ها علیه ایران کارساز نبوده است، ایران خود را در شرایطی یافته است که لازم دیده برای استیفای حقوق ملت به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کند. اگرچه استنکاف آمریکا از رأی احتمالی دیوان به نفع ایران، می‌تواند منتهی به رجوع ایران به شورای امنیتی شود که در آن، آمریکا از حق و تو برخوردار است، اما دستاورد عمده‌ی ما از اقدام به شکایت حقوقی علیه ایالات متحده آمریکا، بیش از آنکه با هدف دریافت غرامت یا متوقف ساختن تحریم‌های آمریکا باشد، از زاویه‌ای دیگر و در جهت محکومیت بین‌المللی، منزوی ساختن این کشور در عرصه حقوقی و فتح افکار عمومی قابل بررسی است. به علاوه استنکاف کشورها از تصمیمات الزام آور دیوان بین‌المللی دادگستری، هزینه حیثیتی به مراتب سنگین‌تری از استنکاف آن‌ها از تعهدات خود در قالب توافقات سیاسی دارد. با این حال باید به انتظار جلسات استماع دیوان نشست و مشاهده کرد که آیا ایران می‌تواند دیوان را برای صدور دستور موقت توفیق اعمال و اجرای تحریم‌های اقتصادی تا زمان صدور حکم نهایی متقاعد سازد یا خیر؟ بخش زیادی از پیروزی حقوقی ایران در مقابل آمریکا می‌تواند



در جلسات استماع پیش رو در که مطابق اطلاعیه شماره ۲۰۱۸/۳۸ مورخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۸ (۱۳۹۷/۵/۴) دیوان، از تاریخ دوشنبه ۲۷ الی پنج‌شنبه ۳۰ اوت ۲۰۱۸ (پنجم الی هشتم شهریور ۱۳۹۷) در کاخ صلح لاهه-هلند برگزار خواهد شد، محقق شود.



## منابع و ارجاعات

[۱] Press release, No 2018/34, 17 July 2018, Iran institutes proceedings against the United States with regard to a dispute concerning alleged violations of the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights between Iran and the United States, and requests the Court to indicate provisional measures, [www.icj-cji.org](http://www.icj-cji.org).

[۲] فرهاد اعتمادی، دادگاه داوری ایران و امریکا، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۷

[۳] I.C.J Reports of Judgements, Case Concerning United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, 24 may 1980.

[۴] Aerial Incident of 3 July 1988 (Islamic Republic of Iran v. United States of America), [www.icj-cij.org](http://www.icj-cij.org).

[۵] Oil Platforms case (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment of 12 December 1996, [www.icj-cji.org](http://www.icj-cji.org).

[۶] Press release, Application Instituting Proceedings, 16 July 2018, pp. 18 and 19, paras. 50 and 51.

[۷] Application Instituting Proceedings, 16 July 2018, [www.icj-cij.org](http://www.icj-cij.org). Paras. 32-42.

[۸] I.C.J Order, 19 April 2017, Application of the International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism and of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (Ukraine v. Russian Federation), para. 89.

[۹] Rules of Court (1978) adopted on 14 April 1978 and entered into force on 1 July 1978, Art. 73(2).

[۱۰] Request for the indication of provisional measures, 16 July 2018, [www.icj-cji.org](http://www.icj-cji.org), p. 19-20, paras. 42 and 43.

[۱۱] Press Release, No. 2018/37, 25 July 2018, Urgent communication to the United States of America from the President under Article 74, paragraph 4, of the Rules of Court, [www.icj-cij.org](http://www.icj-cij.org).



[۱۲] باقر میرعباسی و حسین سادات میدانی، دادرسی‌های بین‌المللی: دیوان بین‌المللی دادگستری (مسائل روز، چکیده آرا و اسناد)، تهران، جنگل، ۱۳۹۲، ص ۷۷-۷۹ [۱۳] همان.

[۱۴] Trump: I am ready to meet with Iran 'anytime they want to' – with no preconditions, CNBC, July 30 2018, Available at: <https://www.cnbc.com/2018/07/30/trump-i-am-ready-to-meet-with-iran-anytime-they-want-to.html>.

html.

[۱۵] نامداروندایی سالار، «ترامپ، تشنه مذاکره و توافق: چه باید کرد؟»، وب‌سایت اندیشکده راهبردی تبیین، منتشره در ۱۷ مرداد ۱۳۹۷، به نقل از: <https://twitter.com/mdubowitz/status/1120021211011127062>



در مقاله پیش رو خواهیم دید که اختلافات حقوقی میان ایران و آمریکا از چه سابقه ای برخوردار است و نیز چشم انداز شکایت اخیر کشورمان در دیوان ممکن است چه سمت و سوی پیدا کند؟

اندرشکده ژبلسرگزمین

نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter



Tabyincenter.ir

نشانی پایگاه اینترنتی:



۰۲۱ - ۲۶۱۵۳۲۳۹

شماره تماس جهت اعزام سخنران: